درس 20

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خدا است، به خداوند بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كه در خلال يكي از «اوقات خلوتي» كه به مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (مزمور 23، 24، 25، 27)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مورد آنچه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: روميان
دو به دو مرور كنيد. روميان 1:5-2.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 12:5-21

مقدمه:
در روميان 1:5-11 برخي از بركات ناشي از عادل شدن خلاصه‌وار بيان شد. در روميان 12:5-21 بر وضعيت قانونيِ فرد مسيحي تأكيد گذارده مي‌شود، يعني بر اينكه او در نظر خدا عادل شمرده شده است.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 12:5-21 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيد كشف نماييد، در موردشان تفكر كنيد، و فكرتان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اينكه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)
كشف 1ـ در روميان 12:5-19 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. مقايسه ميان آدم و مسيح نشان مي‌دهد كه برخوردِ خدا با انسانها فقط بر اساس موجوديتِ فرديِ ايشان نيست، بلكه بر اساس اتحاد و همبستگي‌شان با آدم يا با مسيح نيز مي‌باشد.
ميان سقوط ما در آدم و احياي ما در مسيح قياس شگفت‌آوري وجود دارد. عادل‌شمردگيِ همة ايمانداران در مسيح به‌واسطة سقوط همة انسانها در آدم به‌تصوير كشيده مي‌شود . گناه، محكوميت و مرگ را كه تمامي ابناي بشر در آنها شريكند، هيچگاه نمي‌توان در قالب اصطلاحات صرفاً فردگرايانه توضيح داد، بلكه در اتحاد و همبستگي با آدم. به همان ترتيب، عدالت، عادل‌شمردگي و حيات را كه همه مسيحيان در آن شريكند، هرگز نمي‌توان در مفهوم فردگرايانه به‌دست آورد، بلكه در اتحاد و همبستگي با مسيح!
1- آيه 12 فقط بخش نخست اين قياس را توضيح مي‌دهد، (همانگونه كه در آدم محكوم مي‌باشيم، در مسيح نيز عادل شمرده مي‌شويم). همانگونه كه گناه آدم سبب شد كه عواقب غير قابل اجتنابِ محكوميت و مرگ براي تمام مردمِ جهان به جريان بيفتد، همچنين مطابق روميان 18:5-19، عدالتِ مسيح سبب شد كه نتايج غير قابلِ اجتناب عادل‌شمردگي و حيات براي همة ايمانداران در مسيح به جريات افتد!

2- آيات 13-14 توضيح مي‌دهد كه يك خطاي آدم علت سقوط تمامي بشريت مي‌باشد. اين نخستين پرانتز است (يعني مطلبي كه از نظر دستوري به جمله قبلي مرتبط نيست). اين حقيقت كه انسانها بسيار پيش از اعطاي شريعت موسي مي‌مردند، ثابت مي‌كند كه علت سقوط بشريت، نه گناهان شخصي و فردي انسانها، بلكه آن يك تجاوز و خطاي آدم بود. بنابراين، آدم نمايندة اولية همة انسانها بر روي زمين مي‌باشد. از آنجا كه او در گناه افتاد، تمام نسل بشر در گناه افتاد. آدم الگو يا نمونة كسي بود كه مي‌بايست بيايد، يعني عيسي مسيح. به همان شكل، عيسي مسيح نمايندة اولية تمامي ايمانداران است. آدم و مسيح دو چهرة تاريخي از مكاشفة فديه‌كنندة خدا مي‌باشند: آدم فديه را ضروري ساخت و مسيح فديه را به انجام رساند و آن را تأمين كرد.
3- آيات 15-17 توضيح مي‌دهد كه شباهت ميان سقوط و نجات كاملاً متوازي نيست. اين دومين پرانتز است و توضيح مي‌دهد كه شباهت ميان سقوط در گناه از يك سو، و نجات از گناه از سوي ديگر، كاملاً متوازي نيست. عمل فيض‌آميز مسيح از نظر گستره و جهت بسيار بزرگتر از عمل ويرانگر آدم است.
4- آيات 18-19 كل قياس را توضيح مي‌دهد (همانگونه كه در آدم محكوم مي‌باشيم، در مسيح عادل مي‌شويم). درست همانطور كه تجاوز و خطاي آدم منتهي به محكوميت تمامي نسل او شد (يعني تمامي انسانها در طول تاريخ)، به همان شكل، عدالت مسيح منتهي به عادل‌شمردگي تمام كساني مي‌گردد كه عطية فيض‌آميز خدا را با ايمان مي‌پذيرند (يعني همة ايمانداران). همانطور كه نافرماني آدم سبب شد كه خدا همه انسانها را به ديدة اشخاصي گناهكار بنگرد و اينچنين با آنها برخورد كند، اطاعت مسيح نيز سبب شد تا خدا همه ايمانداران به مسيح را به ديدة اشخاصي كاملاً عادل بنگرد و اينچنين با آنان برخورد كند.

كشف 2- در روميان 5:20-21 براي من حقيقت مهمي وجود دارد. اين آيات خلاصه‌اي از تضاد ميان گناه انسان و فيض خدا را نشان مي‌دهند.
1- شريعت در ميان آمد تا خطا زياده شود . در فاصله زماني ميان آدم و مسيح، شريعت در ميان آمد. منظور از «شريعت» در اينجا تمامي احكام موسي است، تمام نظام سازمان‌يافتة عهدعتيق. اين شريعت در فاصله زماني ميان آدم و مسيح داده شد، نه با اين هدف كه وسيله‌اي براي كسب حيات جاوداني باشد، بلكه تا وسيله‌اي باشد براي درك بزرگي گناه و مرگ (غلاطيان 3:24). انسان هر چقدر در مورد شريعت بيشتر بداند، مسؤوليتش بيشتر خواهد بود (روميان 4:15). شريعت هر چقدر بيشتر در قلب و فكر انسان عمل كند، مخالفت انسان با خدا زيادتر مي‌شود و بيشتر سبب مي‌گردد كه از احكام عادلانة خدا تخطي ورزد (روميان 7:8، 11، 13). بدينسان، تنها تأثير شريعت در دورة زماني ميان آدم و مسيح اين بود كه خطا و گناه را افزايش دهد!
2- افزايش گناه باعث افزايش فيض خدا مي‌گردد . نقشه خدا اين بود كه از شَرّ و بدي، خيريت پديد آورد. طرح او اين بود كه اجازه دهد گناه انسان زياد شود تا فيض او بتواند از آن نيز زيادتر شود! گناهان متعدد اين جهان موقعيتي گرديد براي تجلي پرشكوهِ فيض خدا. گرچه شريعت هنوز وسيله‌اي بسيار مؤثر براي افزايش شرارت انسان است، اما فيض خدا وسيله‌اي بس مؤثرتر گرديده تا عدالت و حيات را توليد كند! گرچه تأثير شرارت در دنيا هنوز بسيار زياد است و موجب مرگ به كامل‌ترين معناي كلمه مي‌شود، اما تأثير عدالت خدا بر جهان بس زيادتر است و موجب حيات جهان در كامل‌ترين معناي كلمه مي‌گردد. تأثير سودمند فيض خدا از تأثير شرارت‌بارِ گناه بس افزونتر است. فيض خدا در اين جهان خيريت بسيار زيادتري از شرارت بوجود مي‌آورد، شرارتي كه ناشي از گناه است. فيض خدا بس زيادتر است، نه لزوماً به‌لحاظ تعداد افرادي كه نجات مي‌يابند، بلكه قطعاً به‌لحاظ گستره و جهتي كه فيض در زندگي انسانها دارد. تأثير شرارت بر جهان تحت‌الشعاع تأثير خيريت مسيح بر جهان قرار دارد!

گام 3: سؤال
ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟
سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 5:12-21 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.
يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آنكه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)
بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)
(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1- (5:12-19). منظور پولس چه بود از اينكه مي‌گويد كه آدم «نمونة» مسيح بود كه مي‌بايست بيايد؟
يادداشتها. پولس رسول تعليم مي‌دهد كه هر شخصي در اين جهان، هم نسبت به آدم و هم نسبت به مسيح ارتباط خاصي دارد. بخاطر يك خطاي آدم، همه مردمان جهان در نظر خدا محكومند. و بخاطر عمل عادلانه مسيح، يعني مرگ و قيامش، همه كساني كه به عيسي مسيح ايمان دارند، عادل شمرده

مي‌شوند. روميان 5:12 به گونه‌هاي مختلف تفسير شده است، عمدتاً به اين دليل كه افراد ديدگاههاي متفاوتي در مورد ارتباط ميان اعمال نياكانشان و عواقب آنها بر اعقابشان دارند.

1- عصر مدرن ما گرايش به تأكيد بر فردگرايي دارد . در اين عصر فردگرايي، انسان اين انديشه را نمي‌پذيرد كه ميان گناهان نياكانشان و عواقب آن بر ايشان به‌عنوان اعقاب آنان، ارتباطي هست. ايشان معتقدند كه هر فردي فقط مسؤول كارهاي شرارت‌بار خودش مي‌باشد و در نتيجه، فقط براي گناهان شخصي خود عذاب خواهد كشيد.

بنابراين، ايشان روميان 5:12 را اينچنين تفسير مي‌كنند: نخستين كسي كه مرتكب گناهي شخصي شد آدم بود و به همين سبب، نخستين انساني كه سزايش مرگ است، آدم مي‌باشد. گناه و مرگ براي نخستين بار از طريق آدم وارد تاريخ بشريت شد. تنها كاري كه اعقاب او كردند، فقط پيروي از الگوي بد او بوده است. ايشان نيز مرتكب گناهان شخصي شدند و نتيجتاً مردند. لذا از طريق نمونة بد آدم، مرگ بر فرد فرد انسانها وارد آمد، زيرا هر فردي بطور شخصي گناه كرده است.

2- كتاب‌مقدس هم اتحاد و همبستگي ما را با يكديگر تعليم مي‌دهد و هم مسؤوليت شخصي ما را . قطعاً ميان گناهان نياكانمان و نتايج آن بر ما كه اعقاب ايشان هستيم، رابطه‌اي هست. كتاب‌مقدس تعليم مي‌دهد كه هر فردي مسؤول اعمال شريرانة شخصي خود و عواقب آن مي‌باشد، نه فقط براي خودش، بلكه براي اعقاب خويش نيز! كتاب‌مقدس چندين نمونه ارائه مي‌دهد.

- حزقيال فصل 18 بر مسؤوليت شخصي هر فرد براي گناهان خود تأكيد مي‌گذارد. اسرائيلياني كه در بابل در تبعيد بسر مي‌بردند، تقصير وضع فلاكت‌بار خود را در تبعيد به گردن گناهان پدرانشان مي‌گذاشتند. مي‌گفتند: «پدران انگور ترش خوردند و دندانهاي پسران كُند گرديد» (حزقيال 18:2). گرچه درست بود كه تبعيد به بابل مجازات الهي بود براي گناهاني كه پدران ايشان در اسرائيل مرتكب شده بودند (ر.ش. ارميا 16:10-13)، اما حزقيال نبي بر گناهان فردي و مسؤوليت شخصي براي عواقب آن تأكيد مي‌گذارد! هر فردِ گناهكار نه فقط براي گناهان پدران يا نياكان خود، بلكه قطعاً براي گناهان شخص خودش نيز خواهد مرد.

- ده فرمان موسي در فصل 20 خروج بر اتحاد و وابستگي هر فرد با ساير انسانها در نسل بشري تأكيد مي‌گذارد. از يك سو، ما را تشويق كرده، مي‌فرمايد كه اطاعت شخصي ما از احكام خدا يقيناً نتايج مثبت فراواني براي فرزندان و اعقاب ما خواهد داشت. در خروج 20:6 خدا مي‌فرمايد: «تا هزار پشت بر آنان يكه مرا دوست دارند و احكام مرا نگاه دارند، رحمت مي‌كنم.» اما ده فرمان اين هشدار را نيز مي‌دهد كه نااطاعتي شخصي ما از احكام خدا قطعاً عواقبي جدي براي اعقاب ما خواهد داشت. در خروج 20:5 خدا هشدار داده، مي‌فرمايد: «انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آناني كه مرا دشمن دارند، مي‌گيرم.» در دنياي اطراف خود شاهد اثرات گناه پدران بر فرزندانشان در زمينة اعتياد به الكل و مواد مخدر و امور جنسي و جنايت و نژادپرستي و دشمني و تعصبات مذهبي مي‌باشيم!

بنابراين، ميان ما و فرزندانمان و فرزندان فرزندانمان وابستگي و اتحاد وجود دارد، و نيز ميان ما و همسايگانمان. كتاب‌مقدس نه تنها مسؤوليت شخصي هر فرد را تعليم مي‌دهد، بلكه وابستگي هر فرد را با خانواده‌اش، با فرقه مذهبي‌اش، با جامعه‌اش، با تمام ملت و حتي با تمام جهان تعليم مي‌دهد. آنچه براي ساير مردم رخ مي‌دهد قطعاً بر آنچه بر يك فرد رخ مي‌دهد اثر مي‌گذارد! و آنچه بر يك فرد واقع مي‌شود قطعاً بر آنچه بر ساير مردم روي مي‌دهد اثر مي‌گذارد!

در روميان 5:12-19 ، پولس رسول نيز بر اتحاد همة ابناي بشر با نياي خود آدم تأكيد مي‌گذارد، و نيز بر اتحاد و همبستگي همة مسيحيان با نجات‌دهنده‌شان، عيسي مسيح! او تعليم مي‌دهد كه آنچه براي آدم رخ داد بر همة انسانها در نسل بشري تأثير داشته است. همچنين تعليم مي‌دهد كه آنچه بر مسيح واقع شد بر تمام مرداني كه به عيسي مسيح تعلق دارند اثر داشته است. از اينروست كه پولس آدم را «نمونة» آن كسي مي‌داند كه بايد بيايد، يعني عيسي مسيح. گناه شخصي آدم و نتيجة آن يعني مرگ، بر هر فرد از نسل بشري تأثير گذارد. به همان شكل، عمل تكميل‌شدة نجات توسط عيسي مسيح بر هر فردي كه به او ايمان آورد تأثير مي‌گذارد. در روميان 5:12-19، پولس گناه و مرگ آدم را در مقابل گناه و مرگ نياكان او قرار نمي‌دهد، بلكه گناه و مرگي را كه به‌واسطة آدم براي تمام مردم جهان آورده شد در مقابل عدالت و حياتي قرار مي‌دهد كه به‌واسطة عيسي مسيح براي تمام مسيحيان جهان آورده شد! او در آيه 19 مي‌فرمايد كه نااطاعتي يك فرد يعني آدم، بسياري را گناهكار ساخت . كلمة «ساخت» (به يوناني kathistemi) به معني «انجام عملي بصورت قانوني» مي‌باشد. يك نافرماني آدم هر فرد از نسل بشري را «قانوناً گناهكار ساخت»! «گناهكار» به معني كسي است كه رابطة درست را با خدا و با ديگران و با خودش از دست مي‌دهد. «گناهكار» يعني كسي كه رابطة شخصي با خدا را از دست مي‌دهد، هدف خدا را براي زندگي خود درك نمي‌كند، و صفات مقدس خدا را در زندگي خودش پياده نمي‌كند. در نظر خداي مقدس و عادل ديگر حتي يك فرد از نسل بشري عادل نيست! بخاطر كاري كه آدم كرد، خدا هر فرد از نسل بشري را در حالت و موقعيت طبيعي‌اش گناهكار به حساب آورده، اينچنين با او برخورد مي‌كند. اما اتحاد و همبستگي با آدم در مقابل اتحاد و همبستگي با مسيح قرار داده شده است. در آيه 19، پولس مي‌فرمايد كه اطاعتِ يك انسان، يعني مسيح، بسياري را عادل خواهد گردانيد. در نظر خدا، تك تك افرادي كه به مسيح ايمان دارند، عادل هستند! بخاطر كاري كه عيسي مسيح انجام داد، خدا تك تك افرادي را كه عضو بدن مسيح هستند، عادل اعلام داشته، اينچنين با آنان برخورد مي‌كند. پولس تعليم مي‌دهد كه درست همانطور كه همه مردم در اتحاد با آدم گناه كردند و نتيجتاً در اتحاد با آدم محكوم به مرگند، آدم كه نمايندة اولية ايشان است، به همان شكل همة ايمانداران به مسيح در اتحاد با

مسيح مردند و قيام كردند و نتيجتاً در اتحاد با مسيح عادل اعلام شده‌اند، مسيح كه نمايندة اولية آنان است. البته منظور اين نيست كه همه انسانها واقعاً و عملاً از طريق آدم گناه كردند ، و يا ايمانداران به مسيح واقعاً يا عملاً با مسيح مردند. بلكه منظور اين است كه يك گناه آدم قانوناً و به‌گونه‌اي مؤثر، گناهِ تمام انسانهاي نسل بشري گرديد. به همان شكل، مرگ مسيح قانوناً و به‌گونه‌اي مؤثر، مرگ تمام مسيحيان گرديد.

- «اتحاد و همبستگي» را چگونه بايد درك كنيم؟ اتحاد با آدم معنايي بس عميق‌تر از صرفاً دنبال كردنِ الگوي گناه‌آلودِ آدم دارد، زيرا در مزمور 51:5، داود مي‌فرمايد كه با طبيعتي گناه‌آلود زاده شده است. ايوب نيز در كتاب ايوب 14:4 مي‌فرمايد كه هيچكس نمي‌تواند چيزي پاك را از چيزي ناپاك پديد آورد. نه فقط الگوي گناه‌آلود آدم، بلكه طبيعت گناه‌آلود او نيز به اعقابش در نسل بشري منتقل گشت. در روميان 5:12-19، پولس جنبة ديگري از «اتحاد» هر فرد از نسل بشري با آدم را ارائه مي‌دهد. نه فقط طبيعت گناه‌آلود آدم، بلكه وضعيت قانونيِ گناه‌آلود آدم نيز به تمام اعقابش در نسل بشري انتقال يافته است.

سؤال 2- (5:15-17). چگونه كار مسيح بزرگتر از كار آدم است؟
يادداشتها. در روميان 5:15-17 توضيح داده شده كه تشابه ميان «سقوط در گناه» و «نجات از گناه» كاملاً متوازي نيست. كار فيض‌آميز مسيح از نظر گستره و جهت بس عظيم‌تر است از كار ويرانگر آدم.

1- كار فيض‌آميز مسيح از نظر گستره (هدف، قصد) بس عظيم‌تر از كار ويرانگر آدم است (15-16)! ما نه فقط از عواقب آن «يك تجاوز» آدم نجات خواهيم يافت، بلكه از عواقب تمام «تجاوزها و خطاهاي بي‌شمار» شخص خود نيز نجات پيدا خواهيم كرد. عواقب گناه عبارت است از احساس تقصير، محكوميت، شكست، بيماري، مرگ، و مجازات ابدي! داوري عادلانة خدا «يك گناهِ يك انسان» (يعني آدم) را مورد توجه قرار داد و تمامي نسل بشر را محكوم ساخت (ناعادل اعلام نمود). اما عادل‌شمردگيِ فيض‌آميز خدا «گناهانِ فراوانِ بسياري از انسانها» را مورد توجه قرار مي‌دهد (يعني همه آناني كه به عيسي مسيح ايمان مي‌آورند) و همة ايمانداران به عيسي مسيح را عادل اعلام مي‌كند! بنابراين، گستره (يا هدف مورد نظر) عمل فيض‌آميز خدا بارها بزرگتر است از گسترة كار ويرانگر آدم!

2- كار فيض‌آميز مسيح از نظر جهت، بسيار مثبت‌تر است از كار ويرانگر آدم (17). تجاوز يا خطاي آدم باعث شد كه همه چيز در جهت منفي به حركت در آيد، در جهت محكوميت و مرگ. اما عدالت مسيح باعث مي‌شود كه همه چيز در جهتي مثبت حركت كند، در جهت عادل‌شمردگي و حيات! اين ثابت مي‌كند كه خدا از اعطاي فيض بيشتر خشنود مي‌گردد تا از اجراي داوري (حزقيال 18:23؛ 33:11؛ روميان 5:15، 20). پولس تشخيص مي‌دهد كه داوري، بسيار بي‌رحمانه عمل مي‌كند (بسياري مردند)! اما او اين را نيز تشخيص مي‌دهد كه عملكرد فيض «چقدر بيشتر» است؛ فيض نه فقط عملكرد داوري را برطرف مي‌سازد، بلكه در جهت مخالف به فراواني عمل مي‌كند، يعني در جهت عادل‌شمردگي و حيات! گناه به‌واسطة محكوميت عمل كرد و مرگ را پديد آورد، اما فيض به‌واسطة عدالت عمل كرد تا حيات را پديد آورَد (21)! داوري خدا تأثيرات عظيم دارد، اما فيض خدا دستاوردهايي بس عظيم‌تر دارد! ما نه فقط «از» مرگ و پوچي نجات يافته‌ايم، بلكه نجات يافته‌ايم «تا» حيات جاوداني به‌دست آوريم، كه شامل زندگي و خدمتي هدف‌دار و ابدي مي‌گردد.

سؤال 3- (5:18). آيا كتاب‌مقدس تعليم مي‌دهد كه همة انسانها در جهان نجات خواهند يافت؟
يادداشتها. اگر آيه 18 را از متن و زمينه‌اش خارج كنيم، ممكن است تصور كنيم كه اين آيه تعليم مي‌دهد كه «درست همانطور كه همه انسانهايي كه پا به عرصة وجود نهاده‌اند بخاطر يك گناهِ آدم قانوناً محكومند، به همان شكل همة انسانهايي كه پا به عرصة وجود نهاده‌اند بخاطر يك عمل عادلانة مسيح قانوناً عادل شمرده مي‌شوند.»

كلمات «جميع مردمان» در كتاب‌مقدس هميشه اشاره ندارد به «هر فردي كه در اين جهان زيسته است، بدون هيچ استثنايي».

1- كلمة فراگيرِ «همه» (يا "جميع") بايد به‌وسيلة شرطِ ضروريِ مرتبط با بركت محدود گردد. روميان 5:17 مي‌فرمايد كه شرطِ عادل‌شمردگي «پذيرفتن فيض الهي و عطاي عدالت او» مي‌باشد. به همين شكل، ساير بخشهاي كتاب‌مقدس تعليم مي‌دهد كه فقط آناني نجات مي‌يابند كه «به عيسي مسيح ايمان بياورند». بدينسان، كتاب‌مقدس نجات همگاني را تعليم نمي‌دهد. شرط ضروري نجات، ايمان به عيسي مسيح است.

2- كلمة فراگيرِ «همه» (يا "جميع") بايد به‌وسيلة ماهيت موضوع يا زمينة بحث محدود گردد . براي مثال، در مرقس 1:37، 5:20 و 11:32، كلمة «همه» بايد محدود گردد به همه مردمي كه در متن مورد اشاره قرار گرفته‌اند. به همان صورت، در روميان 5:18، عبارت «حكم شد بر جميع مردمان» بايد محدود گردد به تمام آناني كه بصورت طبيعي از نسل آدم بوجود آمده‌اند، زيرا مسيح در اين ميان استثناء است. به همان ترتيب، عبارت «بخشش شد بر جميع مردمان براي عدالت حيات»، بايد محدود گردد به آناني كه از طريق ايمان به عيسي مسيح مرتبطند (ر.ش. اول قرنتيان 15:22-23). پولس به تعداد فكر نمي‌كند، بلكه به طريقي كه نقشة خدا عمل مي‌كند! خدا همة مردماني را كه به آدم مرتبطند محكوم مي‌سازد، اما همة مردماني را كه به مسيح مرتبطند عادل مي‌شمارد.

3- كلمة فراگير «همه» (يا "جميع") به اين منظور بكار رفته كه با نگرش انحصارگرايانة يهوديان بطور كلي مبارزه كند، چرا كه مي‌پنداشتند كه از امت‌ها (غيريهوديان) بهترند . پولس بر اين نكته تأكيد دارد كه

ميان يهوديان و امت‌ها (غيريهوديان) تفاوتي نيست: «جميع مردماني» كه نجات مي‌يابند، خواه يهودي باشند خواه غيريهودي، بـه شـكلي يكسـان نجـات مي‌يابنـد (اعمـال 10:34-35)؛ روميـان 2:11؛ 3:22؛ 10:12)! هر كه به عيسي مسيح ايمان آورد حيات جاويد دارد، اما هر كه به عيسـي مسـيح ايمـان نيـاورد قبلاً بر او حكم شده است (يوحنا 3:18، 36).

گام 4: كاربرد

ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟

در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميـان 5:12-21 فهرسـتي از كاربردهـاي احتمـالي تهيه كنيم.

ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟

يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيـد كـاربرد شخصـي‌تان را بـا ديگـران در ميان بگذاريد.

(به ياد داشته باشـيد كـه در گروههـاي مختلف، افـراد ممكن اسـت حقـايق متفـاوتي را بـراي كـاربرد شخصـي انتخـاب كننـد، يـا حـتي كاربردهـاي متفـاوتي را از يـك حقيقت اسـتخراج كننـد. ذيلاً فهرسـتي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي

- 5:12؛ پي بردم كه خدا نه فقط گناهان شخصي و بسيار مرا مد نظر قرار مي‌دهـد، بلكـه همچـنين وضعيت گناه‌آلودِ قانوني مرا و شرايط ناشي از اتحاد و همبستگي‌ام به آدم را.

- 5:13-14؛ پي بردم كه گناه آدم مرا كه انساني طبيعي هستم، به وضعيت قانونيِ محكوميت سوق داده است. آدم سبب شد كه فديه و نجات من امري كاملاً ضروري گردد! اما همچنين پي بردم كه عدالت مسيح (مرگ و قيام او به جاي من) براي من در مقام ايماندار به عيسي مسيح، وضعيت قانونيِ عدالت را به‌همراه آورده است. مسيح فدية مرا به انجام رساند و آن را تأمين نمود.

- 5:17-19؛ كاملاً مطمئن شدم كه فيضِ خدا كه به‌واسطة عيسي مسيح آمـد، بـر گنـاه بشـر چـيره مي‌شود، گنـاهي كـه از طريـق آدم آمـد. كـاملاً مطمئن شـدم كـه خـدا از اعطـاي فيض بسـيار خشـنودتر مي‌شود تا از اجراي داوري.

- 5:20؛ شريعتِ كتاب‌مقدس (براي مثال "ده فرمان") را بايد به‌كار ببرم تا «گناه» را بهتر بشناسم و درك كنم كه انسان در وضعيت طبيعي خود چقدر گناهكار است.

كاربردهاي شخصي

- نمي‌خواهم فراموش كنم كه خدا به انسانها نه فقط به‌عنوان اشخاص منفرد مي‌نگرد، بلكه آنان را يا در اتحاد با آدم مي‌نگرد يا در اتحاد با مسيح. مي‌خواهم به ياد داشته باشم كه زندگي شخصي من نه فقـط بر خودم تأثير مي‌گذارد، بلكه بر ساير مردم نيز، خاصه بر فرزندانم.

- بسيار شاد مي‌شوم وقتي پي مي‌برم كه تأثير نيكوي فيض خدا در اين جهـان، بارهـا زيـادتر اسـت از تـأثير شـريرانة گنـاه در جهـان! نمي‌خـواهم فرامـوش كنم كـه فيض خـدا بـر گنـاه بشـر چـيره مي‌شـود. مي‌خواهم به ياد داشته باشم كه حكومت فيض خدا بر زندگي‌ام از طريق عادل شمرده شـدن به‌واسـطة ايمان به مسيح تجلي مي‌يابد؛ اين حكومت همچنين از طريق زندگي كردن طبق حيات جديـد و عادلانـه بـا مسيح در اين جهان، متجلي مي‌گردد.

گام 5: دعا

دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 5:12-21 به مـا آموختـه اسـت، دعـا كنيم.

(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايـد، در دعـا واكنش نشـان دهيـد. تمـرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به يـاد داشـته باشـيد كـه افـراد در گروههـاي مختلف، در بـارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)

دعاي واكنشي

در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امـروز آموختيـد، بـه حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 12:5-21» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزمور 31، 32، 33، 34 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آيه جديد از كتاب‌مقدس را مورد تعمق قرار دهيد و حفظ كنيد. روميان 3:5-4. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببينيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 3:5).
- آمادگي:مَثَل محل نشستن در ضيافت از لوقا 14:8-11 و مثل فريسي و باجگير از لوقا 18:9-14 . از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.